

## مراسم دعای ندبه (جلسه بیست و هشتم)

### مقدمه

در ادامه‌ی دعا به فراز «وَتَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ، مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ، إِقَامَةً لِدِينِكَ، وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ»؛ «و جانشینانی اختیار کردی، نگهبانی پس از نگهبان از زمانی تا زمانی دیگر برای برپا داشتن دینت و حجتی بر بندگان» رسیدیم و در مورد آن صحبت کردیم. امام در این فراز دعا، دو دلیل برای انتخاب وصی و جانشینانی که مدت وصایت آنها نیز مشخص است، ذکر می‌کند. در این جلسه در مورد این دلایل و سؤالاتی پیرامون آنها صحبت خواهیم کرد.

### مستحفظان دین

نکته‌ی مهم، نخست این است که آیا این مستحفظ (نگهبان) از دین، همیشه شخص خودِ امام و وصی است؟ در پاسخ به سؤال باید گفت، قطعاً لیدر اصلی همیشه خود امام است؛ اما در مواردی گاهی اتفاقاتی می‌افتد که حتی ظهور و بروز این امر در شخصی دیگر رخ می‌دهد؛ مثلاً در اینکه امام و وصی بعد از پیامبر، امیرالمؤمنین است، هیچ شکی نیست؛ اما میدان‌داری با حضرت زهراست؛ یعنی حضرت یکی از نگهبانان دین می‌شود و اقامه‌ی دین می‌کند. اینجا دین، امیرالمؤمنین است برای همین حضرت زهرا برای حفاظت از ایشان به میدان آمدند. در عاشورا نیز امام سجاد بنا بر حکمت الهی و ضرورت حفظ جان ایشان و به دلیل بیماری، نمی‌تواند ظهور و بروز داشته باشد برای همین حضرت زینب میدان‌دار می‌شوند. ایشان از جان امام محافظت می‌کند به جای ایشان پاسخ دشمنان را می‌دهد و کاروان اُسرا را مدیریت می‌کند و امور را پیش می‌برد.

## مقام حضرت زینب

بنابر روایتی از پیامبر، حضرت زینب شریک در همه‌ی مصائب اباعبدالله است. حرف خیلی عجیبی است. حضرت زینب برای حفاظت و اقامه‌ی دین قیام کرده است. اصلاً یکی از القاب ایشان ولیه‌الله است. بر همین اساس برخی گفته‌اند که حضرت زینب (هنگام ورود به شهر کوفه) در قلب و روح مردم تصرف تکوینی کرد. تشریحی به معنی قانون‌گذاری و درخواست نه؛ تکوینی یعنی کسی اگر می‌خواست هم نمی‌توانست حرف بزند. می‌گویند وقتی زینب کبری وارد کوفه شد، فرمود: «ساکت ای اهل کوفه» پس از کلام حضرت، نه فقط مردم که حتی عمال حکومت و طبل و سنج‌زن‌ها نیز ساکت شدند و حضرت شروع به خطبه خواندن کردند. مورد بعدی در عظمت جایگاه حضرت زینب، مشورت امام‌سجاد با ایشان است. مورد بعدی قدرت تحمل بالای حضرت زینب است در مصائب و شدایدی که احدی تحمل آنها را ندارد. حضرت از این حیث بی‌مانند است؛ مثلاً حضرت عباس مصیبت اصلی کربلا که شهادت امام حسین و روضه‌ی گودال است را ندید؛ اما حضرت زینب این مصیبت را هم دید و ماند و کاروان را هم مدیریت کرد. موافقان ولایت تکوینی حضرت زینب به حدیثی استناد می‌کنند که براساس آن ایشان عهده‌دار و مجری وصایای امام حسین بوده است؛ زیرا امام‌سجاد نمی‌توانستند. در روایتی احمد بن ابراهیم می‌گوید: «در مدینه بر حکیمه خاتون (دختر امام‌جواد) وارد شدم و از پشت پرده با وی سخن گفتم و از دینش پرسیدم. حکیمه خاتون امام خود را نام برد و گفت: "فلان بن حسن" گفتم: "خدا! مرا فدای شما گرداند، او را مشاهده کرده یا خبر او را شنیده‌ای؟" گفت: "خبر او را شنیده‌ام از امام حسن عسکری که برای مادرش نوشته بود" گفتم: "آن مولود کجاست؟" گفت: "مستور است" گفتم: "پس شیعه به چه کسی مراجعه کند؟" گفت: "به جدی او (مادر امام حسن عسکری)" گفتم: "آیا پیرو کسی شوم که زنی را وصی خود کرده است؟" گفت: "او (امام‌مهدی) به حسین بن علی بن ابی‌طالب اقتدا کرده است؛ زیرا حسین در ظاهر به خواهرش زینب وصیت کرد و دستورات علی بن حسین به خاطر حفظ جانش به زینب نسبت داده می‌شد" سپس حکیمه خاتون فرمود: "شما اهل اخبار و روایات هستید، آیا برای شما روایت نشده که نهمین از فرزندان حسین میراثش در دوران حیاتش تقسیم می‌شود؟"» (کمال‌الدین، ج ۲، ص ۲۶۶

**در اینجا شکی نیست که وصی اصلی امام است؛ اما گاهی شرایطی پیش می‌آید که یا**

**نمی‌شود به امام دسترسی پیدا کرد و یا خطر جانی برای او وجود دارد؛**

پس در اینجا فرد دیگری مانند حضرت زینب می‌شود حافظ دین و امام.

## نقش ما در محافظت از دین

آیا ما هم می‌توانیم مستحفظ دین باشیم؟ به معنای کامل آن خیر؛ زیرا همیشه لیدر و جریان‌ساز، شخص امام است؛ اما در مراتب بعدی بله. اصلاً هدف از دعا این است که ما دائم خود را مقایسه کنیم؛ مثلاً در کربلا آیا به جز امام، کسان دیگری برای اقامه‌ی دین نبودند؟ آیا حضرت عباس و اصحاب امام، اقامه و حفاظت از دین نکردند؟ پس ما هم می‌توانیم خود را در انجام وصیت پیامبر یاور بدانیم و سهمی در این راه داشته باشیم. ما باید نسبت و وظیفه‌ی خود را برای حفاظت از دین بررسی کنیم. باید بگردیم و با توجه به استعدادهایی که خدا به ما داده، جایگاه خود را در این مسیر پیدا کنیم. ما تا به امروز با همه‌ی امکانات خودمان وسط نیامده‌ایم و إلا در شیعه‌خانه‌ی امام‌زمان فقیر و یتیم بی‌سرپرست وجود نداشت. ما مأموریتی بالاتر از اقامه‌ی دین نداریم. جایی که همه‌ی جان‌ها باید فدای امام‌زمان باشد، امام‌حسین برای اقامه‌ی دین، جانش را تقدیم می‌کند.

## فراموش نکنید که مقصر اصلی دین‌گریزی یک جامعه، متدینین آن جامعه هستند.

لقب حضرت مهدی، قائم است به این دلیل که اقامه‌ی دین می‌کند و همه چیز را به اصل خود بازمی‌گرداند تا جایی که برخی گمان می‌کنند که ایشان دین جدید آورده است.

## محافظت از دین در عصر غیبت

امام‌خمینی نیز هدف از انقلاب را اقامه‌ی دین بیان کردند. سؤال اساسی این است که وقتی ما دستمان از امام عصر (که وصی پیامبر است) کوتاه شده است، چه کسی باید این وصایت را انجام دهد؟ وقتی امام‌زمان در غیبت است باید زینب‌وار جان خود را سپر بالای امام کنیم و برای اقامه‌ی

## در عصر غیبت هم اقامه‌کننده‌ی اصلی امام است؛

### اما امام همواره کار خود را با مؤمنین انجام می‌دهد نه با معجزه.

در عصر غیبت پیچیدگی‌هایی شکل می‌گیرد که در زمان حضور امامان گذشته نبوده است. اینجا خود منتظر شروع می‌کند به تحقیق و شخم زدن منابع و کتب تا وظیفه‌ی خود را بفهمد. رجوع می‌کند به کسانی که احادیث را می‌دانند. به علما رجوع می‌کند و از آنها حکم می‌خواهد. به همین دلیل پیامبر در مورد مردم عصر غیبت فرمودند: «ای علی عجیبترین مردم از همه‌ی کسانی که ایمانشان برتر و یقینشان کاملتر است، کسانی‌اند که در آخرالزمان می‌آیند در حالی که نه پیامبر را دیده‌اند و نه حجت و امام را. در عین حال ایمان می‌آورند به سیاهی روی سفیدی (یعنی همان کتاب‌هایی که در دستشان است).» (بحارالأنوار، ج ۷۷، ص ۵۶)

## مقام منتظران

امام‌رضا در حدیثی مراتب روحی موجودات را اینگونه بیان می‌کنند؛ می‌فرماید: «همه‌ی آنچه که خدا آفریده روح‌الحرکه دارد. بعد از آن گیاه است که روح‌الحیاء دارد. بعد از آن حیوان است که روح‌الشهوه دارد. بعد از آن مؤمن است که روح‌الایمان دارد. مرحله‌ی بعدی روح‌الیقین و پس از آن روح‌المطهره است که مخصوص اهل‌بیت است.» این حدیث را بگذارید در کنار حدیث امام حسین که می‌فرمایند: «منتظران مهدی در آخرالزمان مؤید شده به روح‌الیقین‌اند.» (کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۳۰۴)

شرایط دوران غیبت سخت است؛ اما پاداش آن نیز عظیم است.

## حجت‌های الهی

دلیل اول حضور همیشگی جانشینان و حافظان دین، اقامه‌ی دین بود؛ دلیل دوم این بود که حجتی باشند بر بندگان خدا. حجت، اولاً دلیلی است بر خدایی خدا و در وهله‌ی بعدی حجتی است بر ما. اگر کسی پیش امام‌علی می‌رفت و چند بار از ایشان درخواست بخشش می‌کرد، آیا امام او را می‌بخشید یا نه؟ قطعاً می‌بخشید؛ پس چرا ما فکر می‌کنیم خدا ما را نمی‌بخشد؟ با این

مثال، شناخت ما نسبت به خدا بهتر می‌شود؛ چون امام، حجت خداست؛ یعنی خدا حجتی ملموس که صفات خودش در او تجلی پیدا کرده است را برای ما آفرید تا ما او را بهتر بشناسیم. رحمت امیرالمؤمنین را می‌بینیم تا ارحم الراحمین بودنِ خدا را درک کنیم؛ یعنی اهل بیت دلیل و برهان و راهنمای ما برای شناخت خدا هستند. امام هم حبل من الله است و هم حبل من الناس. امام از طرفی برهان ما در شناخت خداست و از طرف دیگر حجت خدا بر ماست. امام باید با همین بدن مادی و بدون ارجاع به علم غیب و حتی با مشورت مردم عادی، کار را پیش ببرد تا حجت بر ما تمام شود؛ یعنی او یکی مثل خود ماست؛ یعنی امکان وقوع آنچه برای امام رخ می‌دهد برای ما هم وجود دارد. اهل بیت حجت را بر ما تمام کردند.

## وظیفه‌ی مؤمنین در آخرالزمان

ما باید از اهل بیت الگو بگیریم و خودمان را شبیه آنها کنیم. در عصر غیبت، این وظیفه پُر رنگتر هم می‌شود؛ چون مردم در این دوران، دین را در آینده‌ی مؤمنین می‌بینند.

**وقتی به سمت اقامه‌ی دین رفتیم، ناخواسته زیر ذره‌بین می‌رویم؛**

**پس باید مراقب هم باشیم چون خطای ما به پای دین نوشته می‌شود.**

خدا در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود را با خانواده‌ی خویش از آتش دوزخ نگاه دارید چنان آتشی که مردم (دل‌سخت کافر) و سنگ (خارا) آتش‌افروزِ اوست و بر آن دوزخ، فرشتگانی بسیار درشت‌خو و دل‌سخت مأمورند که هرگز نافرمانی خدا را (در اجرای قهر و غضب حق) نخواهند کرد و آنچه به آنها حکم شود، انجام دهند.» (تحریم / ۶)

یعنی باید اقامه‌ی دین را از خانواده‌ی خودمان شروع کنیم. در جایی دیگر خداوند می‌فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»؛ «و اهل بیت خود را به نماز و طاعت خدا امر کن و خود نیز بر نماز و ذکر حق صبور باش، ما از تو روزی (کسی را) نمی‌طلبیم بلکه ما به تو (و دیگران) روزی می‌دهیم و عاقبت نیکو مخصوص (اهل) پرهیزکاری

## مؤمن مورد رضایت امام زمان

در عصر غیبت، ما دو نوع مؤمن داریم: فعال و منفعل. در آخرالزمان مؤمن منفعل به درد نمی خورد. مؤمن آخرالزمان باید فعال باشد؛ یعنی مؤمنی که منشاء اثر است، ظلم را نمی پذیرد. کسی که منتظر خورشید است در شب، شمع روشن می کند؛ چون تشنه ی نور است. در آخرالزمان خورشید امامت، غائب است؛ اما چون منتظر امام هستیم در ظلمت نمی نشینیم. در آخرالزمان ظلم زیاد می شود؛ اما منتظر تن به ظلم نمی دهد. این برخلاف عقل و فطرت است. در حالی که جریانات انحرافی مانند حجتیه آن را تبلیغ می کنند (عدم ظلم ستیزی برای تعجیل در ظهور). فرق است میان نماز خوان و برپاکننده ی نماز یا شرکت کننده ی در جشن نیمه ی شعبان یا برپاکننده ی جشن نیمه ی شعبان.

**امام زمان مؤمن فعال می خواهد نه مؤمن منفعل.**

سخنرانی استاد رائفی پور

موضوع: مراسم دعای ندبه (جلسه بیست و هشتم)

خلاصه و چکیده سخنرانی استاد رائفی پور، اسفند ۱۴۰۱ تهران

تهیه شده در واحد مهدویت مؤسسه مضاف، مهدیاران [@Mahdian](https://www.Mahdian.com)